

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژولی هیلاند - Julie Hyland

برگردان از: حمید محوی

۲۲ مارچ ۲۰۱۳

رهبران اروپائی و تقویت شوینیسیم علیه مهاجران



تعلق به اتحادیه اروپا حق آزادی آمد و رفت و حرکت را برای شهروندان کشورهای عضو به تصویب رسانده است و بر این اساس شاخص ملیت موجب تبعیض و محدودیت برای آنها نخواهد بود.

ولی قدرت های بزرگ اروپائی بر آن هستند تا این حق را برای مردم بلغارستان و رمانی ملغا سازند.

اتحادیه اروپا تصمیم گیری در مورد پیوستن بلغارستان و رومانی به فضای شنگن را به تعویق انداخت. این دو کشور عضو اتحادیه اروپا هستند، و به گفته هیأت اروپائی، وظایف خودشان را منطبق بر پیمان نامه انجام داده اند. پس از دو سال تأخیر، شهروندان این دو کشور می توانند بی هیچ محدودیتی از سال ۲۰۱۴ از مشاغل اروپائی دسترسی داشته باشند. ولی در گردهمائی وزرای امور داخلی و دادگستری، هفته گذشته، به دلیل مخالفت المان موافقت خود را به تأخیر انداختند، هانس پیتر فردریش وزیر المانی اعلام کرد که کشور او برای جلوگیری از ورود این دو کشور به فضای شنگن از حق وتوی خود استفاده خواهد کرد.

وزیر المان، فردریش با تحقیر پرسیده است «آیا آزادی رفت و آمد در اروپا به این معنا است که افراد از هر کجای اروپا به المان بیایند، چون که نظام اجتماعی المان بهتر از کشور خودشان است؟»

و با تأکید اضافه کرد «آنهايي که با سوء استفاده از آزادی رفت و آمد، تنها برای کمک های اجتماعی می آیند، باید از آنها قاطعانه جلوگیری به عمل آید.»

المان تنها کشوری نیست که چنین مشکلی را مطرح می‌سازد. انگلستان، فرانسه، هالند و اتریش بیانیه‌های مشابهی را منتشر کردند. موضع‌گیری این کشورهای اروپایی، مأموریت «همآهنگ‌سازی» تدریجی اتحادیه اروپا را نفی می‌کند که در دوران روبروئی با اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی و کشورهای ماهواره‌ای آن تبلیغ می‌کردند. طی سال‌های ۱۹۹۰، رهبران اروپایی کشورهای اروپای شرقی را تشویق می‌کردند که به اتحادیه اروپا بپیوندند، و پیروزی و شکوفائی اقتصادی و ثبات سیاسی در اتحاد پاپاپای بین ملت‌ها را به آنها نوید می‌دادند.

در دوران دوران بعدی، اقتصاد این کشورها به تاراج رفت به این علت که اتحادیه اروپا اصرار داشت که خصوصی‌سازی در سطح گسترده انجام گیرد و خواهان از بین بردن نظام کمک‌های اجتماعی توسعه‌یافته در این کشورها بود. اتحادیه اروپا این موازین را برای «همآهنگی‌سازی ساختاری» ضروری می‌دانستند تا الحاق این کشورها به جرگه اروپا کاملاً عملی گردد.

به جای چنین امری، حتی پس از آن که تعداد زیادی از کشورهای اروپایی در اتحادیه اروپا پذیرفته شدند (بلغارستان و رومانی به سال ۲۰۰۷ به آن پیوستند) هیچ‌یک از مفاد ضروری فراموش نشد. نتیجه افزایش بیکاری، خروج از بازار کار و فقدان امنیت اقتصادی بود. بلغارستان و رومانی فقیرترین کشورهای اتحادیه اروپا هستند که خطر سقوط در فقر نیمی از جمعیت آنها را تهدید می‌کند.

اتحادیه اروپا تأیید می‌کند که رهبران بلغارستان و رومانی هر آنچه را که از آنها خواسته بودند، انجام داده‌اند. اتحادیه اروپا با سادیسیم خاصی مدعی می‌شود که حتی «توفیق» خواست هایش در زمینه سیاست زمین سوخته به این معنا است که مردم این کشورها نمی‌توانند از حقوق شهروندی اروپایی برخوردار باشند زیرا به دلیل فقری که دامنگیرشان کرده، از خیر مقدم‌گویی به آنها در اروپا معذور است.

ایوان کراستو، مدیر مرکز تحقیقاتی ستراتژی لیبرال، یک اتاق فکری بلغار به «تایمز مالی» اعلام کرد که: «راهکار در گذار بسیار سختی بود، و با درد و رنج بسیار امکان پذیر گردید. ولی حالا [الحاق به اروپا] ما انتظار داشتیم که به زندگی کاملاً متفاوتی دست بیابیم، و مثل المانی‌ها و یا دست کم مثل یونانی‌ها زندگی کنیم. ولی چنین موردی هرگز به وقوع نپیوست.»

بیانیه او تحولات بنیادی در مناسبات طبقاتی در اروپا را به شکل خلاصه مطرح می‌سازد. طی بیش از ده سال، کشورهای اروپای شرقی برای این که «مثل یونانی‌ها» زندگی کنند، تلاش کردند. ولی به جای آن که به اروپای شکوفا برسند، به اروپای روزه‌دار پیوستند.

یونان آزمایشگاهی بود که در آن بورژوازی اروپا از بحران جهانی سرمایه‌داری استفاده کرد تا شوک درمانی که در اروپای شرقی ساخته و پرداخته و به کار بسته بود، را در تمام قاره گسترش دهد.

در یونان پس از پنج سال روزه‌داری و سختی وحشیانه، بیش از ۲۵ درصد، و نزدیک به ۵۰ درصد از نسل جوان را به بیکاری محکوم کرده است. ده‌ها هزار نفر از مردم به وسیله بانک مواد غذایی به زندگی ادامه می‌دهند، سرمایه‌گذاری در بخش بهداشت و آموزش به نقطه صفر رسیده است.

به جای تنظیم سطح زندگی از بالا در بلغارستان و در رومانی، شرایط در تمام قاره از پائین تنظیم می‌شود، و بر اساس میزانی پایه‌ریزی می‌شود که نه در اروپا بلکه در چین وجود دارد.

رفتار قدرت‌های اصلی اروپا در رابطه با بلغارستان و رومانی تنها یک تکبیر ساده نزد قدرت‌های بزرگ نیست. بلکه حاکی از انتقام طبقاتی است.

این دو کشور جنبش‌های توده‌ئی علیه سیاست روزه‌داری دیکته شده توسط اتحادیه اروپا را به خود دیدند که موجب سرنگونی دولت‌های تابع این سیاست شد – در اپریل گذشته در رومانی و کمتر از یک ماه پیش در بلغارستان.

حالا به عنوان تنبیه، با توده های کارگر در این کشورها به مثابه افرادی رفتار می کنند که گوئی در امر کمک های اجتماعی سوء استفاده کرده اند. این توده های کارگر تقریباً به اسارت گرفته شده اند، در حالی که سرمایه مالی بی هیچ قید و بندی آزاد است تا اروپا را به تاراج ببرد.

طی این مدت، تبلیغات خشنی علیه «توریسم اجتماعی» راه اندازی شد تا توجه عمومی را از منشأ واقعی افزایش بیکاری و کاهش درآمدها منحرف سازد که در واقع به موازینی باز می گردد که دولت‌ها از روی دستورالعمل های انگل های واقعی جامعه لیگاری مالی به کار بسته بودند.

در حالی که حقوق و شرایط زندگی را تنزل می دهد، دولت دموکراسی نوین یونان در اتحاد با حزب سوسیالیست پان هلنیست و چپ دموکراتیک، دستگیری و بازداشت وسیع مهاجران و موازین نژاد پرستانه دیگری را مجاز دانست و سیاست فاشیستی حزب بامداد طلایی (حزب راست افراطی و نئونازی در یونان) را از آن خود دانست.



لوگوی رسمی بامداد طلایی

همین تمایلات با احزاب سوسیال دموکرات بیش از پیش آماده، در تمام اروپای غربی در حال گسترش است. در المان، شهردار سوسیال دموکرات دیوسبورگ، خطابه شرم آور نژاد پرستانه ای علیه مهاجران اروپای شرقی ایراد کرد و شکایت آمیز در مورد حضور آنها مدعی شد که منابع شهروندان اصلی را تلف می کنند. در فرانسه، دولت حزب سوسیالیست فرانسوا هولاند در تدام سیاست رئیس جمهور گولیست پیشین نیکیلا سرکوزی، به اردوگاه های مهاجران حمله می کند و با انتقال گسترده آنها از حزب دست راستی افراطی پیشی می گیرد. در انگلستان، حزب کارگر به شکل فوق العاده «کنترل حداکثر» در مورد مهاجران اروپای شرقی را راه اندازی کرده، و شعاری را تکرار می کند که به فاشیستهای انگلیسی تعلق دارد، «کار بریتانیایی ها برای کارگران بریتانیایی.» هدف اصلی این اقدامات، حقوق اجتماعی تمام طبقه کارگر است. درخواست ممنوعیت برای مهاجران از برخورداری از حقوق و کمک های اجتماعی، به انضمام امور بهداشتی و مسکن، در واقع به خدمت گرفته می شود تا حذف کمک های اجتماعی را توجیه سازد. هدف این است تا بگویند که کمک های اجتماعی گران تمام میشود و باید آن را حذف کرد.

مسئولیت سیاسی این حمله ارتجاعی روی دوش گروه به اصطلاح اتحاد چپ افراطی یونان است و اگر چه در حرف ادعای می کند که با روزه داری و نژاد پرستی مخالف است، ولی از نظام بهره کشی دفاع می کند که منشأ هر دو (روزه داری و نژاد پرستی) می باشد، یعنی نظام بهره کشی که در واقع ساز و کار اصلی بوده که از طریق آن تهاجم رهبریت سازماندهی و تحمیل شده است، یعنی اتحادیه اروپا.

کارگران و جوانان باید فعالانه علیه این اردوی شوینستی مخالفت کنند. علیه تلاش های کارفرمایان برای اختلاف انداختن و بهتر حکومت کردن، آنها باید دفاع از کارگران مهاجر را در مرکز خیزش انقلابی خود در سطح اروپا جای دهند، علیه موازین روزه داری در اتحادیه اروپا و دولت های تشکیل دهنده آن.

Julie Hyland

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۱ مارچ ۲۰۱۳

مرکز مطالعات جهانی سازی، ۱۹ مارچ ۲۰۱۳

منطقه : اروپا

مضمون : قانون و عدالت، فقر و نابرابری اجتماعی

<http://www.mondialisation.ca/les-dirigeants-europeens-attisent-le-chauvinisme-contre-les-immigres/5327496>